

مفهوم‌شناسی امی در قرآن با رویکرد زبان‌شناختی*

قاسم محسنی‌مری**

چکیده

واژه امی از مفاهیم مهم در آیات الهی است که در درازنای تاریخ اسلام مورد توجه خوانندگان مسلمان و غیرآن قرار گرفته و با ایدئولوگ همبسته با گفتمانی که در آن قرار داشتند، رایزنی‌های گسترده انجام داده که به گمانه‌های مفسرانه شناخته شده است. جستار پیش رو برای گذر از فهم نحیفانه و بی‌قاعده، قرآن کریم را به مثابه متن دانسته و با رهیافت حوزه معنایی در زمانی و هم زمانی با مؤلف ه‌های هم‌نشینی، تقابلی، توسعه معنایی و عناصر همبسته با آن، با روش توصیفی و تحلیلی در پی چپستی واژه امی در روایت گری قرآن کریم است. در این راستا کاربرست واژه امی در قرآن مورد بازخوانش قرار گرفته و مفهوم غیراهل کتاب و امت عرب را برای آن سازگار با متن قرآن و نظام گفتمانی عصر نزول دانسته و خوانش‌های حداکثری مفسران بسان بی‌سوادی و غیر آن را به چالش کشانده است.

کلید واژه‌ها: امی، امت، اهل کتاب، پیامبر(ص)، معناشناختی

* تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۵

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر

بیان مسأله

قرآن کریم با منشأ وحیانی و متنی با فرآورده‌های نهانی که حاجت به کشف پیام‌های آن با خویشکاری هدایتگری برای تامین سعادت آدمیان است. آشکار نمودن مدلول‌های واژگانی با انگاره معناشناختی^۱ برای دستیابی به معنای استعمالی و حتی مراد جدی برای تامین آن هدف می‌باشد.

خوانشگران برای فهم متن قرآن و دریافت معانی آن در آغاز به دنبال کشف دلالت‌های الفاظ هستند. در این راستا رهیافت معناشناسی با مطالعه معنا در پی کشف چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک معنا از طریق زبان است. (صفوی، ۱۳۷۹: ۲۸) یکی از مؤلفه معناشناسی، حوزه معنایی یا واژگانی است که در بردارنده سامانه‌ای از واژگان می‌باشد که از جنبه دلالتی با همدیگر همبسته‌اند و پیوندی متقابل دارند. (مختار عمر، ۱۳۸۶: ۷۳) در این راستا فهم و بازشناسی معنای امی در حوزه معنا شناختی در گرو درک معنای دیگر واژگانی است که با آن در ارتباط می‌باشد. هم کنشی واژه امی با واژگان دیگر در قرآن با رهیافت مطالعه در زبانی و هم زمانی حوزه معنایی آن قابل بررسی است. مطالعه در زمانی واژگان در نظر گرفتن دو مقطع زمانی ویژه است (مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۶: ۷۶-۷۸) که به فرآیند تغییر معنایی در عناصر گسترش معنایی، تخصیص معنایی، مجاز^۲ و غیر آن اشاره می‌کند. مطالعه هم زمانی^۳ نیز به بررسی معنا در یک مقطع زمانی خاص می‌پردازد و کاربست واژگان یک متن را در فرآیند شکل پذیری خود در همکنشی با بافتار و جغرافیای فرهنگی و زبانی ویژه مورد بررسی قرار می‌دهد. حوزه معنایی مطالعه هم زبانی با عناصر باهم‌آیی واژگان به صورت هم‌نشینی و تقابل^۴ در پی آشکارگی معنا می‌باشد. (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۹۶-۱۹۷) بنابراین رهیافت واژه امی با دارا بودن عنصر معنایی ثابت با جای گرفتن در جمله‌های خاص یا درون یک متن به دلیل پیوند با دیگر مفاهیم معنای نوینی را ایجاد می‌کند. (ایزوتسو، ۱۳۶۳: ۱۳-۱۴) پیوند واژگانی امی درآیاتی که به

صورت‌های متفاوت به کار رفته، با نظام گفتمانی عصر نزول با مؤلف‌هی در زمانی وهم زمانی قابل خوانش است. با بهره‌مندی از الگوی پیش گفته نسبت اقوام مطرح‌شده در آیات الهی (یهودیان، نصاری و صابئین) با خداوند و رهیافت خداشناسی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی ویژه، آنان را از دیگر ملت‌های همجوار جدا کرده و گسست فرهنگی موجود در میان‌شان، امکان بازخوانش دو سنت که یکی خود را منتسب به خدا می‌نمود و دیگری را غیر خدا می‌نامید فراهم می‌آید که در بازخوانش معنایی واژگان متن مهم می‌باشند. بر این اساس با هم آیی دو واژه اهل کتاب و امیین در جایگاه اسمی و اوتوا الکتاب به صورت فعلی در قرآن کریم یک حوزه معنایی تقابل را به وجود آورده که امکان معناشناختی واژگانی را فراهم نموده است.

جستار حاضر با رهیافت معناشناختی لغوی و کاربردی در پی معنای استعمالی واژه امی با کاربست آیات الهی است. بنابراین سؤال‌های اصلی این پژوهش عبارتند از:

الف- حوزه معناشناختی واژه امی در قرآن براساس بافتار آیات و نظام گفتمانی چیست؟

ب- کدام گمانه مفسرانه در استعمال معنای امی سازوار با سیاق و قرائن آیات و فضای گفتمانی عصر نزول است؟

پاسخ آغازین به این سؤال‌ها با بهره‌مندی از معناشناختی لغوی و کاربردی^۵، با توجه به منبع مطالعاتی متن قرآن، سیاق و تحلیل مطالعه در زمانی، هم زمانی و مؤلفه‌ای همبسته با آن، معنای غیر اهل کتاب و امت عرب را برای واژه «امی» خوانش کرده و آن را سازوار با متن دانسته است.

پیشینه و ضرورت پژوهش

مقاله «تحلیل نشانه‌شناختی "النبی الامی" براساس مدل امبرتواکو» (احد اسدی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۵۳-۱۸۰) با رهیافت نشانه‌شناسی و الگوی امبرتواکو واژه امی را از نظر میدان پایه، میدان‌های معنایی همنشین، مقابل، کاربرد شناسی متن، بافت متنی و ساحت‌های

بینامتنی به تحلیل به این واژه پرداخته و به این نتیجه رسیده که در مقام ظاهر و منطوق و متفاوت از درک عمومی به معنای پیامبر غیر یهودی را موجه دانسته است.

مقاله «امی درس ناخوانده یا اهل کتاب» از فقهی‌زاده (۱۳۹۱: صص ۶۱-۸۹) با بهره‌مندی از لغت‌شناسی ساختاری واژه امی را از دو کلمه ام یا امه دانسته و «ی» آن را منسوب و تلاش نموده با استفاده از منابع تفسیری و حدیثی درس ناخواندگی پیامبر(ص) را پیش از بعثت اثبات نماید ولی روند ناخوانایی و نانویسایی در پسا بعثت ادامه نیافت هرچند فعل نوشتاری با وجود توانمندی در این دوران از وی صادر نشد. در این راستا مقاله «مفهوم امی بودن پیامبر و ادعای مستشرقان» از خانم دولت آبادی (۱۳۸۹: ۴۵-۷۶) در سطح ناخوانایی و نانویسایی در اندیشه مفسران مسلمانان و خاورشناسان پیگیر شد. نوشتار «نگاهی دوباره به مساله امی بودن پیامبر» (همامی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۰) با بررسی لغوی واژه امی، آیات و برخی روایات و متون تاریخی نتیجه گرفت که سخنان مفسران درباره ناخوانایی و نانویسایی پیامبر وجهی ندارد و آن را در معنای ام‌القری یا مکه خوانش نمود.

با مطالعه نوشتار متعدد این نتیجه قابل بررسی خواهد بود که مقاله‌ای با رهیافت معناشناختی در زمانی و هم زمانی و مؤلفه‌های همبسته با آن و به دور از هر ملاحظه باوری کلامی که به خوانش واژه امی پرداخته شده باشد انجام نشده است، لذا ضرورت پژوهش حاضر در واگرایی با هرگونه پیش فرض‌های باوری در سطوح معناشناختی امی در عصر نزول با اتکاء به ساختار موجود در متن قرآن سنجیده می‌شود.

۱. معناشناختی لغوی کلمه امی

واژه «امی» که از ویژگی پیامبر اسلام است در قرآن کریم به صورت مفرد در دو آیه (اعراف: ۱۵۷-۱۵۸) و چهار بار در ساختار جمعی در آیات (بقره: ۷۸؛ آل عمران: ۲۰ و ۷۵؛ جمعه: ۲) آمده است. منابع واژه‌شناسی تعاریف متنوع و گونه‌گونی از واژه امی ارائه

داده‌اند. گستره معنایی و مصادیق مختلف آن در نگاه آغارین ناشی از انگاره‌های معناشناختی کاربردی بر اساس معنای نخستین و اولیه از ساختار و ریشه‌شناختی (دالت لفظی) این واژه به عنوان گوهر معنایی است که در همکنشی با تداعی و سایر مؤلفه‌های معناشناسی باهم‌آیی، معانی متعددی یافت. توسعه معنایی واژه امی در زبان‌شناسی با توجه به ساختار، حقیقت لغوی و معنای وضعی لفظ عبارتند از:

۱. ریشه آن از کلمه اُم به ضم همزه «أ. م. م» در معنای اصل و سرچشمه که امور از آن نشأت می‌گیرند و یا پایه هر چیزی که چیزهای دیگر در پیوست با آن می‌باشد، است. (ازهری، ۱۴۲۱ق: ۴۵۱؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق: ۹؛ فراهیدی، ۱۴۱۴ق: ۱۰۴/۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ۲۲/۱؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۲۲۲/۱؛ ابن فارس، ۱۴۲۲ق: ۲۱/۱) ترکیب‌هایی مانند «ام الكتاب» یعنی لوح محفوظ که منشأ و تکنون همه علوم است و علوم دیگر در پیوست با آن می‌باشند. (الراغب، بی‌تا: ۱) و یا هر چیزی که امور پیرامونی در پیوند با آن باشند بسان تعبیر «ام القرى» که به مکه و هر شهر مرکزی اطلاق می‌گردد (فراهیدی، ۱۴۱۴ق: ۱/۱-۱۰۵) بر اساس معنای اولیه آن است.

۲. ناخوانایی و نانویسایی که بر اصل آفرینش مادری خود باقی مانده باشد. (فیروزآبادی، ۱۴۱۹: ۱۰۷۷؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۱۳۷/۱؛ الراغب، بی‌تا: ۱۸-۱۹) گزینش این معنا برای امی، از جهت لغوی و منطوق لفظی نیست بلکه ناخوانایی و نانویسایی در مفهوم کنایه‌ای می‌باشد که به مرور زمان درباره کس یا کسانی که به این صفت شهره شدند به کار رفته است و یا ترجیح مفسرانه از میان ویژگی‌های امت عرب است.

۳. منسوب به «ام» کسی یا چیزی که به مادر خود منسوب است. این نسبت همبسته با اساس وجود فرزند از مادر و خویشکاری وی در تربیت و اصلاح است. (مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۱۳۷/۱، الراغب، بی‌تا: ۱۸)

۴. منسوب به ام القرى که شهر مکه و حوالی آن گفته می‌شود. (مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۱۳۷/۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ۱/صص ۲۲-۲۳؛ فراهیدی، ۱۴۱۴ق: ۱۰۵/۱؛ الراغب، بی‌تا: صص ۱۸-۲۰) و آن به خاطر اهمیت و عظمت مکه است که مرجع و مقصود می‌باشد.

۵. اُم به فتح همزه به معنای قصد و توجه کردن. (جوهری ۲۳/۱، الراغب، بی تا، ۲۰؛ فراهیدی، ۱۴۱۴ق، ۱۰۷/۱) به نظر می رسد این گوهر معنایی دارای گستره ای باشد که سایر معانی همبسته با آن بسان امة که به تمامی افراد گروه یا جماعت را با واسطه یک مقصد گرد آورده، در بر بگیرد. (ازهری، ۱۴۲۱ق: ۴۵۵) در این راستا دین مردم در ماهیت این مورد یک گروه به پیوسته و یک جامعه دینی را تشکیل می دهند. تصور امت اسلام در این پیوند دین با اجتماع انسانی قابل درک است.

۶. امة (UMMA) در معنی قوم و نژاد که در عبری قوم یا قبیله است که غیر سامی و برگرفته از اکدی - سریانی از «اما تو» (UMMATU) از زبان سومری می باشد و کاربست امة عربی از همین منبع است. آرتور جفری (۱۳۸۶: ۷۵) گرچه زبان شناسان مسلمان واژه امة به ضم همزه را در معنای گروه، جماعت، دین و شخص صالح دانسته اند و به یک گروه امت گفته اند زیرا یک امر همانند دین، زمان و مکان واحد آنها را جمع می کند و دارای یک اصل مشترک هستند. (الراغب، بی تا: ۱۹؛ ابن الانباری، ۱۴۰۷ق: ۲۷۰؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ۲۲/۱؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۲۲) شاید «ی» نسبت در «امی» منسوب به امت باشد و تعبیر «الامی» واژگان «ال» در آن بدل از مضاف الیه و منسوب به «امة عرب» باشد. (اسدی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۶۳)

بنابر نظر لغویان واژه امی از دو ریشه «ام» و «امه» می باشد که روح و گوهر معنایی آن، اصل و قصد می باشد که در تمامی معانی استعمالی آن سایه افکنده است. معنا، امام به عنوان اصل یا مقصود، مورد ارجاع مردم است و مادر هم به عنوان اصل و مقصود مورد توجه است.

۲. کاربست واژه امی در قرآن با رهیافت مفسران

واژه «امی» با مشتقاتش در شش آیه از قرآن کریم آمده است و خوانندگان با رهیافت های متعدد در رویارویی با آن گمانه های مختلفی را ارائه دادند که به بخشی از این گمانه ها اشاره می شود.

۲-۱. غیر اهل کتاب

برخی از مفسران با توجه به بافتار مردم عصر نزول و بت پرستی غالب مردم و ساق آیات، واژه امیون را فاقد کتاب آسمانی دانسته‌اند. (راغب، بی تا: ۱۹؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۹ق: ۱۳۸/۱؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق: ۲۹۹/۱؛ طبری، ۱۴۱۵ق: ۲۹/۱) به باور ابن عباس، امیون کسانی هستند که هیچ یک از پیامبران و فرستادگان خدا و کتب وحی شده را بر حق ندانسته و با دست خویش کتابی را می‌نوشتند. (ماتریدی، ۱۴۲۵ق: ۵/۲۶؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱۱/۶؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۹ق: ۳۱۸/۱) و اهل کتاب مشرکان عرب را به دلیل عدم استفاده از متون مقدس امی می‌خواندند.

عده‌ای آیه: «فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» پس اگر با تو به محاجه برخاستند بگو من خود را تسلیم خدا نموده‌ام و هر که مرا پیروی کرده [نیز خود را تسلیم خدا نموده است] و به کسانی که اهل کتابند و به مشرکان بگو آیا اسلام آورده‌اید پس اگر اسلام آوردند قطعاً هدایت یافته‌اند و اگر روی برتافتند فقط رساندن پیام بر عهده توست و خداوند به [امور] بندگان بیناست.» (آل عمران: ۲۰) عطف میان واژگان «امیین» و «اوتوالکتاب» را نمایان گر تمایز دو گروه که به آنان کتاب آسمانی اعطا گشته و غیر آن دانسته‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۲۲/۳) این تمایز ممکن است در درون اهل کتاب هم اتفاق بیفتد. در آیه: «وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِي وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ» و [بعضی] از آنان بی سوادانی هستند که کتاب [خدا] را جز خیالات خامی نمی‌دانند و فقط گمان می‌برند.» (بقره: ۷۸) خداوند به رد اندیشه یهودیان می‌پردازد که خود را صرفاً به دلیل دارا بودن کتاب الهی، اهل کتاب می‌نامیدند. توصیف برخی از آنها به امیون نمایشگر بیگانگی آنان از واقعیت‌های متنی، محتوایی، احکام و تکالیف تورات است (شیخ طوسی، ۱۴۰۹ق: ۳۱۸/۱؛ طبری، ۱۴۱۵ق: ۲۴۹/۱) و این معنا با ادامه آیه «لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ» بیشتر تقویت می‌شود.

۲-۲. امت عرب

گروهی از قرآن پژوهان، واژه «امی» را مشتق از امت دانستند یعنی جماعتی که دارای یک وجه اشتراکند و براین اساس اهل یک ملت را امیون گفته‌اند. قرآن کریم اعراب را برای نخستین بار در برابر اهل کتاب با صفت امی ارتقا داد و با خوانش امت اسلام اجتماع آنان بنابر اندیشه و آموزه‌های اسلامی بازتاب داده است. (ایزوتسو، ۱۳۷۴: ۹؛ الراغب الاصفهانی، بی‌تا: ۱۸؛ حجتی، ۱۳۸۶: ۱۹۵). در این پنداره آیه ۲ سوره مبارکه جمعه به امت ترجمه شد^۶ «اوست خدایی که میان امت‌ها پیامبری از خودشان برانگیخت تا بر آنان آیات الهی را تلاوت کنند.» (شیخ طوسی، ۱۴۰۹ق: ۴/۱۰؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق: ۲۸۴/۱۰؛ طبری، ۱۴۱۵ق: ۸۹/۱۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۵۳۸/۱۰؛ ابن کثیر، ۱۴۰۹ق: ۱/۲۱) برخی آیه ۷۵ سوره آل عمران را شاهی بر آن گرفته‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۱۰۵/۲۴)

۲-۳. امی در معنای ناخوانایی و نانویسایی

رهیافت حداکثر گمانه‌های تفسیری، خوانش نانویسایی و ناخوانایی از واژه امی در حالت افرادی برای رسول اکرم (ص) و ساختار جمعی آن برای ملت را گزینش کرده و تلاش شده امی را در همه استعمالات آن در قرآن و روایات را در این جهت تعبیر و تاویل کرده و دیدگاه‌های به چالش کشیده شد. براین اساس خوانش امی از پیامبر (ص) به عنوان صفت برجسته آن حضرت، با کاربرت مفرد با ترکیب «النبی الامی» (اعراف: ۱۵۷-۱۵۸) و به صورت جمع امیون و امیین (آل عمران: ۲۰؛ بقره: ۷۸؛ جمعه: ۲) به عنوان صفت ملت ناخوانا و نانویسا به نوعی همبسته با نخواندن و ننوشتن رسول اکرم (ص) دانسته شد^۷ و برای تایید پنداره خود به آیاتی تمسک جستند. «وَكَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» و این گونه آیات [خود] را گوناگون بیان می‌کنیم تا مبادا بگویند تو درس خوانده‌ای و تا اینکه آن را برای گروهی که می‌دانند روشن سازیم. (انعام: ۱۰۵) و آیه «وَقَالُوا أَأَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا» و گفتند افسانه‌های پیشینیان است که

آنها را برای خود نوشته و صبح و شام بر او املا می‌شود.» اینان در معناشناختی لغوی واژه امی از معنای کنایه‌ای بهره جسته و با لحاظ گوهر معنایی اصل و منشا به توضیح آن پرداختند و بیان داشتند این واژه به کسی گفته می‌شود که به مادرش منسوب است و این نسبت به آن جهت است که فرد یا جامعه در حالت دوران نوزادی، ناتوان در خواندن و نوشتن باقی، مانده است. (طبری، ۱۴۱۵ق: ۱۷/۱، فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۲۷۳/۷، طوسی، ۱۴۰۹ق: ۱/۴، ۳۱۷/۱۰، طبرسی، ۱۴۱۵ق: ۱/۴۴؛ طبری، ۱۴۱۵ق: ۱۲/۸۹) امیین در انگاره آنان ملتی هستند که خواندن و نوشتن را نمی‌دانستند و رسول خدا نیز از جمله آنها بود. (زمخشری ۱۴۰۷ق: ۱/۱۵۷؛ ابن کثیر، ۱۴۰۹ق: ۱/۱۲۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۱۰/۳۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۲۰/۴۹۵؛ ابن جوزی، ۱۴۰۷ق: ۶/۲۸ و ۸/۱۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱/۲۱۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱/۲۹۹، مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۲۴/۱۰۶ و ۳۹۶/۶، مطهری، ۱۳۷۶: ۳۵؛ دروزه، ۱۳۸۲ق: ۶/۱۸۱) طبرسی (۱۴۱۵ق: ۲/۵۴۲) با بهره‌مندی از آیه ۱۶۴ آل عمران «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» به یقین خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند» می‌نویسد: خداوند بر مردم منت نهاد چون رسولی را از میان خود آنان برانگیخت یعنی همانند آن‌ها امی بود و خواندن و نوشتن نمی‌دانست تا بدانند که دستاوردهای او، وحی منزل الهی است.

افزون بر آن، این خوانشگران با تداعی^۸ عناصر نهانی و فرازبانی (پیش دانسته اعجاز قرآن و اثبات نبوت) ناخوانایی و نانویسایی را برای پیامبر فضیلت دانسته‌اند. (ابن عاشور، ۱۹۹۷م: ۵/۱۳۲؛ صالحی، ۱۳۹۷ق: ۱۰/۲۸۵) و این صفت را نشانه نبوت و دلیل رسالت آن حضرت دانسته‌اند. (مراغی، ۱۴۱۰ق: ۹/۸۱؛ ابن شهر آشوب، بی‌تا: ۲/۲۲؛ مغنیه،

۱۴۲۴ق؛ ۴۰۴/۳) این که آن حضرت جز از طریق تعلیم و تربیت الهی چیزی را نگرفته و کسی در تربیت او نقش نداشته است مردم نیز در می‌یابند که کتاب پیامبر (ص) اعجاز الهی است. زیرا کسی که با آنان در عدم آشنایی و یا خواندن و نوشتن مساوی بود و از نوشته و کتاب کسی استفاده نکرده است اکنون کتابی آورده است که سراسر عالم از آوردن مانند آن عاجزند.^۹ (صدوق، ۱۳۶۳: ۴۳۰؛ خویی، ۱۳۶۰: ۷۳)

مهم‌ترین آیه مورد استناد پژوهشیان طرفدار انگاره ناخوانایی و نانویسایی پیامبر (ص) آیه ۴۸ سوره عنکبوت است. «وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخْطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذَا لَارْتَابَ الْمُضْطَلُّونَ. وَتَوْ هِجِ كِتَابِي رَا پِيش از این نمی‌خواندی و با دست [راست] خود [کتابی] نمی‌نوشتی و گر نه باطل اندیشان قطعاً به شک می‌افتادند.» (مطهری، ۱۳۷۶: ۳۶) مفسران مراد از کتاب را در این آیه مطلق دانسته‌اند (ابن جوزی، ۱۴۰۷ق: ۲۷۱/۶؛ طبری، ۱۴۱۵ق: ۸۰/۶) و واژه «تلاوت» در آیه به معنای قرائت چیزی از حفظ یا از روی کتاب است که در این آیه بنا بر قرینه مقامیه، قرائت از روی کتاب مراد آیه می‌باشد.^{۱۰} (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۴۴/۱۶) برخی گزاره «وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ» را براساس قاعده ادبیات عرب بسان جمله «ما جائنی من احد» نکره در سیاق نفی دانسته که دلالت بر شمول و استغراق واقعی دارد و واژه «من» را زائده تلقی نموده که به منظور تاکید شمول نفی (یعنی هیچ کس نیامد) است. معنای آیه در این پنداره چنین است: «تو ای پیامبر (ص) هیچ نوع کتابی را نمی‌خواندی و نمی‌نوشتی» در ادامه گفته‌اند که اگر منظور از کتاب همان کتاب مقدس باشد در این صورت جمله «ولا تخطّه» زائده خواهد بود. زیرا هرگاه پیامبر (ص) قدرت بر خواندن کتاب‌های فوق را نداشت، بدیهی است که قدرت نوشتن آنها را نیز نخواهد داشت. (سبحانی، ۱۳۵۶: ۴۹/۵۵)

۲-۴. ام القرى

برخی از گمانه‌های مفسرانه واژه کاربستی امی را در آیات به ام‌القری تعبیر کردند. در این تئوری امی، منسوب به القرى یعنی مکه دانسته شد. (شیخ طوسی، ۱۴۰۹ق: ۱۰/۴؛ آلوسی،

۱۴۱۵ق: ۴۰۹/۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۶/ ۳۹۶-۳۹۷) استعمال آن در معنای ام‌القری به دلیل گستره گوهر معنای لفظی (ریشه یا اصل) و تعمیم آن به مکه به عنوان منشأ یگانه پرستی معرفی کرد. (قرطبی، ۱۳۸۷ق: ۷/ ۳۹۹) این انگاره با بهره‌مندی از آیات (بقره: ۱۲۹، ۱۲۶؛ آل عمران: ۹۶؛ انعام: ۹۲) و با گزاره «وَلْتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ رَسُولًا» و آیه ۷ سوره شوری «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا» و آیه ۵۹ سوره قصص «پروردگار تو چنین نیست که مردم قریه‌هایی را هلاک کنند مگر آنکه قبلاً پیامبری در مرکز قریه‌ها بفرستد» با این قالب معنایی تقویت شد.^{۱۱}

۳. واژه امی در فرآیند معناشناختی

برخی از دانشوان قرآنی با قواعد فرازمانی مردم عصر نزول را از جهت تعلق به کتاب آسمانی به دو گروه اهل کتاب و غیر آن (امیون - امین) تقسیم کردند. (ایزوتسو، ۱۳۷۴: ۹۸؛ بدوی، ۱۳۸۵ق: ۲۱/۱-۲۲) در این تقسیم‌بندی یهودیان و مسیحیان و صائبان از کتاب الهی بهره داشتند اما توده مردم عرب در هنگامه نزول قرآن از آن بی‌بهره بودند. در این پنداره گرچه حجاز و مکه خاستگاه دین ابراهیمی بود و اندیشه توحیدی در آن رواج داشت اما این اندیشه و رفتار توحیدگرایانه آرام‌آرام رنگ باخت و خدایان انضمامی در اشکال بت تجلی کرد و بت‌پرستی صفت غالب مردم شد از این رو به آنان امیون یعنی فاقد کتاب آسمانی گفتند.

مفهوم‌شناسی امی در فرآیند معناشناختی با ارجاع به آیات قرآن کریم و با کاربست سیاق و عنصر باهم آیی آیات در مؤلفه دوگانگی واژگان «امیین» در برابر «اهل کتاب» قابل بررسی است. ترکیب اهل کتاب در ۳۱ بار در ۳۱ آیه و در ۹ سوره^{۱۲} قرآن با تعبیر «الذین أوتوا الكتاب» (بقره: ۱۰۱، ۱۴۴-۱۴۵)، «الذین ءاتینهم الكتاب» (بقره: ۱۲۱، ۱۲۶)، «الذین أوتوا نصيبا من الكتاب» (نساء: ۴، ۵۱)، «یهود و نصاری» (مائده: ۱۸) آمده که می‌توان

جانشین اهل کتاب دانست و براساس قاعده همنشینی، ساحات اندیشه‌ای، گفتار، رفتاری، باوری و روان شناختی و اجتماعی آنان را دریافت. در این رهیافت باهم‌آیی همنشینی، گسست آن‌ها از امت عرب معهود عصر نزول و حتی امت اسلام آشکار می‌گردد. هرچند در برخی از کاربردها، آنان را تنها در برابر امت عرب قرارداد است. (حج: ۲۲؛ مائده: ۶۹؛ بقره: ۶۲، ۱۰۵؛ بینه: ۱) ویژگی‌های اهل کتاب مطابق این قاعده بسان، خود برتر بینی (بقره: ۱۰۹)، بدخواهی (آل عمران: ۱۲۰؛ احزاب: ۳۳؛ حشر: ۲)، خیانت در امانت و پیمان شکنی (بقره: ۱۰۰؛ آل عمران: ۷۵)، فسق در قالب تمسخر و زیر پا گذاشتن حدود الهی و حرام خواری (مائده: ۶۲)، ادعای انحصار طلبی در هدایت (بقره: ۱۳۵، ۱۱۳)، برگزیدگی (مائده: ۱۸؛ بقره: ۱۱۱) است. در این گفتمان آنان با خوانش اهل کتاب از خود دیگر اقوام را در کنشگری‌ها تقابل خود دانسته و رفتارها را براساس آن تنظیم می‌کردند. معنا شناختی واژه امی در تقابل این نظام گفتمانی دریافت می‌گردد. آیه: «فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» پس اگر با تو به محاجه برخاستند بگو من خود را تسلیم خدا نموده‌ام و هر که مرا پیروی کرده [نیز خود را تسلیم خدا نموده است] و به کسانی که اهل کتابند و به مشرکان بگو آیا اسلام آورده‌اید پس اگر اسلام آوردند قطعاً هدایت یافته‌اند و اگر روی برتافتند فقط رساندن پیام بر عهده توست و خداوند به [امور] بندگان بیناست. (آل عمران: ۲۰) با عطف واژه «امیین» به «اوتوالکتاب» به صراحت تقابل دو گروه متمایز، اعطای کتاب آسمانی و غیر آن نشان داده می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۲۲/۳) این تقابل معنایی در آیه ۷۵ سوره مبارکه آل عمران هم دیده می‌شود: «وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُودِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ فَإِنَّمَا ذَلِكَ بَآثُهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» و از اهل کتاب کسی است که اگر او را بر مال فراوانی امین شمری آن را به تو برگرداند و از آنان کسی است که اگر او را بر دیناری امین شمری آن را به تو نمی‌پردازد مگر آنکه دایماً بر [سر] وی به یا ایستی این بدان سبب است

که آنان [به پندار خود] گفتند در مورد کسانی که کتاب آسمانی ندارند بر زبان ما راهی نیست و بر خدا دروغ می‌بندند با اینکه خودشان [هم] می‌دانند.»

آیه ۷۸ سوره مبارکه بقره که می‌فرماید: «وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ» و [بعضی] از آنان بی‌سوادانی هستند که کتاب [خدا] را جز خیالات خامی نمی‌دانند و فقط گمان می‌برند. «خداوند به رد اندیشه یهودیان می‌پردازد که خود را صرفاً به دلیل دارا بودن کتاب الهی، اهل کتاب می‌نامیدن در توصیف برخی از آنها از واژه امیون استفاده می‌کند که این افراد نسبت به متن مقدس‌شان بیگانه بوده و از واقعیت‌های متنی، محتوایی، احکام و تکالیف تورات به دورند (شیخ طوسی، ۱۴۰۹ق: ۳۱۸/۱؛ طبری، ۱۴۱۵ق: ۲۴۹/۱) و این معنا با ادامه آیه «لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ» و ارجاع به آیات متحدالموضوع بسان (بینه: ۶؛ بقره: ۱۱۱؛ توبه: ۳۱؛ مائده: ۵۹، ۵۲؛ آل عمران: ۶۴، ۷۵) بیشتر تقویت می‌شود. بنابراین سیاق و گفتمان درون دینی اهل کتاب در قرآن کریم با قوانین جانشینی، همشینی و مؤلفه تقابل و تضاد آنان در پیوند به کتاب و آموزه‌های دینی خود، بیگانگی و پنداره‌های خام و وهم آنان به جای آموزه‌های الهی در این آیه با واژه «امیون» بازتاب داده شد.

سیاق آیات هشت گانه آغازین سوره جمعه افزون بر تقابل اهل کتاب و امیین، به پیوند نزدیک معنایی امیین با مفاهیم کتاب (وحی)، رسول و این اندیشه که مردم پیشا وحی قرآن در ضلالت بودند و با نزول قرآن به اهل کتاب ارتقا یافتند، اشاره دارد. این سوره پس از تسبیح تکوینی و تشریعی و بیان اوصاف خداوندی به ماجرای بعثت پیامبر(ص) در میان امیین پرداخته تا به آنان تزکیه، آموزش کتاب و حکمت بیاموزد چون در ضلالت آشکار به سر می‌بردند. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ. اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت

بدیشان بیاموزد و [آنان] قطعا پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.» (جمعه: ۲) نقطه مقابل معنایی امیین با آیه: «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا» که همان اهل کتاب می‌باشند، بازنمون شد.

سیاق آیات ۱۵۷ و ۱۵۸ سوره اعراف نمایانگر مخاطب قرار گرفتن اهل کتاب-قوم یهود- است. «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. همانان که از این فرستاده پیامبر غیر اهل کتاب که [نام] او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می‌یابند پیروی می‌کنند [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد و از کار ناپسند باز می‌دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند آنان همان رستگارانند. بگو ای مردم من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم همان [خدایی] که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست هیچ معبودی جز او نیست که زنده می‌کند و می‌میراند پس به خدا و فرستاده او که پیامبری از سنخ امت (عرب عصر نزول) است که به خدا و کلمات او ایمان دارد بگروید و او را پیروی کنید امید که هدایت شوید.» جمله «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ» به نظر می‌رسد بیان جمله «الَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ» (اعراف: ۱۵۶) در آیه پیشین است و در آیه ۱۵۷ به روشنی بیان می‌دارد که نام این پیامبر در کتاب‌هایی پیشینی (تورات و انجیل) آمده است. بنابراین تقابل امی و اهل کتاب در این آیات هم دیده می‌شود.

۴. نقد دیدگاه‌های مفسران با رهیافت معناشناختی

در ادامه انگاره‌های مفسران در خوانش واژه «امی» با رهیافت حوزه معنای در زمانی و هم زمانی و مؤلفه‌های همبسته با آن نقد و بررسی می‌گردد و خوانش معناشناسانه آن تبیین می‌گردد.

۴-۱. نقد مفسرانه امی در معنای امت

در پیوست سخن پیشین، نسبت امی به امت در آیات الهی که با گمانه‌های مفسرانه همراه بود توسط برخی برای برجسته نمودن تئوری‌های دیگر (بسان ناخوانایی و نانویسایی)، مورد نقد قرار گرفت. در این نقد افزون بر ساختار ادبی واژه «امی» که در حالت افرادی صفت پیامبر(ص) و در شکل جمعی آن صفت امت دانسته شد و با رهیافت معناشناختی در زمانی و بافتار عصر نزول، با بهره‌مندی از گزاره‌های ناظر به اوصاف اخلاقی و رفتاری عرب به دنبال تقویت این پنداره‌اند که توده مردم، افزون بر برخورداری از اوصاف ناپسند، رذایل اخلاقی و تعصبات جاهلی در صفت بی‌سوادی برجسته بودند. (مطهری، ۱۳۷۶: ۱۶)

این خوانش از امی باسویه معناشناختی هم زمانی با مؤلفه تقابل سازگار نبوده و از سوی دیگر با دلایل روان‌شناختی و مردم‌شناسی و گزاره‌های ناظر به واقع تاریخی ناهم‌ساز است. اعراب پیشا اسلامی دارای کنشگری‌های اندیشه‌ای و رفتاری اجتماعی و ساحات ذهنی، باوری، احساسی و خواسته‌ای ویژه‌ای بودند که آن‌ها را از اقوام دیگر متمایز می‌نمود. در این راستا چه دلیل می‌توان اقامه کرد که صفت بی‌سوادی -که صفت مشترک بیشتر ملت‌ها بود- در نسبت با سایر شاخصه‌های عرب از برجستگی خاصی برخوردار است؟ و اصولاً از بین همه اوصاف که در بین عرب عصر نزول بوده صفت بی‌سوادی دارای چه خصوصی و ویژه‌ای است که مفسرین امیین را در معنای مردمان ناخوانا و نانویسا گرفته‌اند؟ به نظر می‌رسد این انگاره مفسرانه در نسبت با سایر گزاره‌های رقیب برجسته نیست و بیشتر از پیش انگاره‌های باوری و کلامی مفسر بهره دارد که باعث نادیده انگاری سیاق و قواعد معناشناختی لفظی و کاربردی شده است. در ادامه گستره معنایی ناخوانایی و

نابویسای از واژه امین برای امت عرب، مغایر با تاریخ ادبیات عرب عصر نزول است، زیرا آنان به لحاظ وفاداری از فصاحت و بلاغت در کمال به سر می‌برند و پیوسته در مقام تحصیل و اصلاح لغت خود بودند و اگر این طراوت و بالندگی بلاغی و فصاحتی در عرب عصر نزول نبود قرآن اهمیت وجود جذابیت در میان قوم عرب نداشت. (نصیریان، ۱۳۷۸: ۲۹)

کاربست واژگانی «امة» در قرآن با مؤلفه همنشینی با «انزلنا الیک الکتاب»، «فاحکم بینهم بما انزل الله»، «عما جاءک من الحق»، «ما آتاکم»، «فاستبقوا الخیرات الی الله»، «لا یزالون مختلفین»، «یهدی من یشاء»، «رسول» و «فُضِیَ بَیْنَهُمْ بِالْقِسْطِ» در سوره‌های متعدد نمایانگر رهیافت‌های خداشناسانه، هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه با جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی ویژه است که آن از دیگر ملت‌ها جدا می‌کند. «أَنْزَلْنَا إِلَیْكَ الْکِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَیْنَ يَدَیْهِ مِنَ الْکِتَابِ وَمُهَیِّمًا عَلَیْهِ فَاحْکُم بَیْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلْکُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَکِنْ لَیْبُلُوْکُمْ فِی مَا آتَاکُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَیْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُکُمْ جَمِیعًا فَنُنَبِّئُکُمْ بِمَا کُنْتُمْ فِیهِ تَخْتَلِفُونَ. و ما این کتاب [=قرآن] را به حق به سوی تو فرو فرستادیم در حالی که تصدیق کننده کتاب‌های پیشین و حاکم بر آنهاست پس میان آنان بر وفق آنچه خدا نازل کرده حکم کن و از هواهایشان [با دور شدن] از حقی که به سوی تو آمده پیروی مکن برای هر یک از شما [امت‌ها] شریعت و راه روشنی قرار داده‌ایم و اگر خدا می‌خواست شما را یک امت قرار می‌داد ولی [خواست] تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید پس در کارهای نیک بر یکدیگر سبقت گیرید بازگشت [همه] شما به سوی خداست آنگاه در باره آنچه در آن اختلاف می‌کردید آگاهتان خواهد کرد.» (مائده: ۴۸)

«وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا یَزَالُونَ مُخْتَلِفِینَ: و اگر پروردگار تو می‌خواست قطعا همه مردم را امت واحدی قرار می‌داد در حالی که پیوسته در اختلافند» (هود: ۱۱۸) «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلْکُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَکِنْ یُضِلُّ مَنْ یَّشَاءُ وَیَهْدِی مَنْ یَّشَاءُ وَکُنْتُمْ تُعْمَلُونَ: و اگر خدا می‌خواست قطعا شما را امتی واحد قرار می‌داد ولی هر که را بخواهد بیراه و هر که را بخواهد هدایت می‌کند و از آنچه انجام می‌دادید حتما سؤال خواهید شد» (نحل: ۹۳) آیات

دلالت دارد اگر خدا می‌خواست مردم را امتی واحد قرار می‌داد. کاریست واژه امه در قرآن کریم: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ. و هر امتی را پیامبری است پس چون پیامبرشان بیاید میانشان به عدالت داوری شود و بر آنان ستم نرود.» (یونس: ۴۷) «وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ. و هر امتی را به زانو در آمده می‌بینی هر امتی به سوی کارنامه خود فراخوانده می‌شود [و بدیشان می‌گویند] آنچه را می‌کردید امروز پاداش می‌یابید.» (جاثیه: ۲۸) خداوند از میان امی‌ها رسولی از میانشان آورد که وظایف آنان را تعیین نموده و ایشان را دارنده شریعت نماید. «كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَلْوَ عَلَيْنَهُمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ. بدین گونه تو را در میان امتی که پیش از آن امت‌هایی روزگار به سر بردند فرستادیم تا آنچه را به تو وحی کردیم بر آنان بخوانی در حالی که آنان به [خدای] رحمان کفر می‌ورزند بگو اوست پروردگار من معبودی بجز او نیست بر او توکل کرده‌ام و بازگشت من به سوی اوست.» (رعد: ۳۰) براساس آیات گفته شده، اگر خداوند اراده می‌کرد مردمان پیرو دین حق می‌شدند و بر طریق هدایت امه واحده می‌گشتند اما لازمه ایجاد چنین پدیده‌ای بر نظام اختیار استوار گشته است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۱/ ۶۱)

۴-۲. نقد و بررسی آیه ۴۸ سوره عنکبوت در فرآشد معناشناختی

برخی از خوانشگران برای تایید نظریه ناخوانایی و نانویسایی و به چالش کشاندن تئوری‌های رقیب از آیه ۴۸ سوره عنکبوت بهره جسته و تلاش کردند آیه را بر اساس نظریه خود خوانش کنند. اما به نظر می‌رسد چندان به معناشناختی کاربردی آیه توجه نمودند.

۱. فهم معناشناختی این آیه در گرو سیاق آن چنین است. براساس آیات ۴۶ و ۴۷ این سوره: «وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمُ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ. وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا

الْكَافِرُونَ. بگوئید ما به کتاب آسمانی قرآن که بر ما نازل شد و کتب آسمانی شما ایمان آوردیم و خدایی ما و خدای شما یکی است و ما تسلیم و مطیع فرمان اویم. همچنان که بر رسولان پیشین کتاب آسمانی تورات و انجیل و زبور فرستادیم) بر تو هم (ای رسول) کتاب را نازل کردیم. پس آنان که به کتاب ایمان آوردند، بر این کتاب نیز آوردند و جز کافران هیچ کس آیات ما را انکار نمی‌کنند.» منظور از کتاب در آیه ۴۸، کتاب‌های مقدس پیشین است و خداوند کتابی را که بر پیامبر نازل شده را با کتاب‌های اهل کتاب جدا نموده و در پی یاد کرد نزول قرآن به بیان نزول کتاب برای اهل کتاب اشاره می‌کند و در پیوستار با آن می‌فرماید: «وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكُمْ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ.» که ای پیامبر تو پیش از این هیچ کتاب الهی را نخواندی و با دست خود ننوشتی تا موجب تردید دشمنانی که می‌خواهند سخنان تو را باطل کنند. در این پنداره، واژه «من» زائده نخواهد بلکه اشاره به همان کتاب‌هایی که در آیات پیشین گفته اشاره دارد و گزاره «لَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكُمْ» نیز زائده نیست.

۲. اگر کاربست کتاب در این آیه، مطلق باشد است این اطلاق و شمول با توجه به آیات متحد الموضوع ناهمخوان است. مانند: «وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ.» و به کسانی که اهل کتابند و به مشرکان بگو آیا اسلام آورده‌اید.» (آل عمران: ۲۰) و آیه «وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ» (بقره: ۷۹) و آیه «وَيَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ» (جمعه: ۲) در این آیات همشینی کتاب با «اوتوا» و «امیین» نمایشگر کتاب‌ها مقدس معهود اصل نزول است.

۳. بر اساس معناشناختی با مؤلفه در زمانی و بافتار نزول و فضای گفتمانی عرب اصل نزول، اطلاق کتاب بی‌وجه است. زیرا این سؤال مطرح است که افزون بر کتاب مقدس سامیان چه کتاب‌هایی به لحاظ تاریخی در زمان عصر نزول وجود داشته که باعث شبهه مشرکان و کفار بوده است؟

۴- شبهه برگرفتگی قرآن تنها با این آیه و با تفسیر ناخوانایی و نانویسایی قابل حل نیست زیرا خداوند در آیات متعدد چیستی و چگونگی آن را بازتاب داده و خوانش

بی‌سوادى را بی‌وجه نموده است. بنابر رهیافت میدان معنایی هم زمانى و مؤلفه با هم آيى آیات، مشرکان و اهل کتاب با ضرباهنگى پیوستار به دنبال اخلال در امر رسالت پیامبر(ص) با شبهه افکنى متعدد در وحى بوده و داشته‌های رسالتى آن حضرت را ناشى از آموزش از «مجنون» مى‌دانستند: «ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ». پس از او روی برتافتند و گفتند تعلیم یافته‌ای دیوانه است.» (دخان: ۱۴) حتى این باور مشرکان را درباره آموزه‌های وحیانی پیامبر(ص) از آدمیان را نشان داده است. «وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ. و نیک مى‌دانیم که آنان مى‌گویند جز این نیست که بشری به او مى‌آموزد [نه چنین نیست زیرا] زبان کسی که [این] نسبت را به او مى‌دهند غیر عربی است و این [قرآن] به زبان عربی روشن است.» (نحل: ۱۰۳) گفتمان واکنش سلبی مخالفان در برابر آموزه‌های الهی با خوانش اسطوره انگاری هم پی‌گیری شد. در این کنش خصمانه، مشرکان در نسبتی ناروا بر پیامبر(ص) با تعابیر مجنون و مفتون انعکاس داده است. «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَّجْنُونٌ. و آنان که کافر شدند چون قرآن را شنیدند چیزی نمانده بود که تو را چشم بزنند و مى‌گفتند او واقعا دیوانه‌ای است.» (قلم: ۵۱) و وحی الهی را «سحر مبین» «وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ و چون آیات روشن ما بر ایشان خوانده شود آنان که چون حقیقت به سویشان آمد منکر آن شدند گفتند این سحری آشکار است.» (احقاف: ۷) «افک قدیم»: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِنْكَارٌ قَدِيمٌ و کسانی که کافر شدند به آنان که گرویده‌اند گفتند اگر [این دین] خوب بود بر ما بدان پیشی نمی‌گرفتند و چون بدان هدایت نیافته‌اند به زودی خواهند گفت این دروغی کهنه است.» (احقاف: ۱۱) و «اساطیر الاولین» «وَيَلَّكَ آمِنْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ وای بر تو ایمان بیاور وعده [و تهدید] خدا حق است و[لى پسر] پاسخ مى‌دهد اینها جز افسانه‌های گذشتگان نیست.» (احقاف: ۱۷) وَإِذَا تُتْلَىٰ

عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ و چون آیات ما بر آنان خوانده شود می‌گویند به خوبی شنیدیم اگر می‌خواستیم قطعاً ما نیز همانند این را می‌گفتیم این جز افسانه‌های پیشینیان نیست. (انفال: ۳۱) در قرآن کریم نمایشگری شد. افزون بر آن، انتساب فرآیند و فرآورده‌های وحیانی به عالم غیبی که در دسترس اجنه، سحر و جادواند و دریافت این پیام‌های غیبی از جانب ساحران، کاهنان و شاعران به طور عادی نگره عموم مخالفینی بود که دریافت وحی را نیز بسان رفتار شاعران و کاهنان امری معمول تلقی می‌کردند. هرچند قرآن کریم دلیل این انکار را وجود زنگار در قلب آنان و مکر و فریب‌شان در جهت پراکنده کردن مردم از اطراف پیامبر (ص) می‌داند.^{۱۳}

قرآن کریم در سوره فرقان آیات ۴-۶ «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا. وَقَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا. قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا. و کسانی که کفر ورزیدند گفتند این [کتاب] جز دروغی که آن را برافته [چیزی] نیست و گروهی دیگر او را بر آن یاری کرده‌اند و قطعاً [با چنین نسبتی] ظلم و بهتانی به پیش آوردند و گفتند افسانه‌های پیشینیان است که آنها را برای خود نوشته و صبح و شام بر او املا می‌شود. بگو آن را کسی نازل ساخته است که راز نهان‌ها را در آسمان‌ها و زمین می‌داند و هموست که همواره آمرزنده مهربان است.» به روشنی، انگاره اسطوره را از جانب گویندگان آن پردازش می‌کند؛ که به پندار آنان قرآن دروغی به هم بافته آورنده آن است و عده‌ای در این راستا به او کمک می‌کنند که از صبح تا شام آیات را به او املاء کنند. خداوند در پاسخ به این کنش مشرکان، آیات الهی را از جانب کسی می‌داند که دانای نهان و غیب موجودات در آسمان و زمین است. مخالفان پیامبر(ص) با این مکانیسم وحی پیامبرانه را می‌سنجیدند و به آن مواجهت انکارانه داشتند و نمی‌توانستند وحی پیامبرانه را با مکانیسمی غیر از فرهنگ رایج خود که هم در شکل فرآیندی و هم فرآورده‌ای تفاوت داشت بپذیرند. مفسران قرآن کریم با ارجاع

به آیات - پیش گفته - با پیروی از توالی خطی تاریخی از یکدیگر، «اساطیر الاولین» را به «احادیث الاولین و کذبهم»، «اخبار الاولین و کذبهم» و به «اکاذیب الاولین» با نگره قدح به قرآن از جانب مشرکان تفسیر کردند. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق: ۴۶۳/۲ و ۶۳/۳؛ طبری، ۱۴۱۲ ق: ۱۵۱/۹؛ قمی، ۱۳۶۵ ۳۸۳/۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق: ۶۰۱/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۱۳۲/۱۹ و ۵۰۲/۱۰؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۹ ق: ۷۸/۱۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق: ۸۷/۳۱؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۲۰۴/۱۸ و ۳۷۲/۱۹ و ۲۳۳/۲۰) بنابراین آیات پیش انگاره بی‌سوادی پیامبر(ص) نه تنها با آیات سازگاری ندارد بلکه در فرآیند پاسخگویی به شبهه‌افکنی نارساست.

۴-۳. نقد رویکرد ناخوانایی و نانویسایی پیامبر(ص)

با مطالعه قرآن، روایات، تاریخ عصر نزول و دریافت رهیافت قرآن کریم نسبت به خویشکاری دانش و توصیه به دانش‌اندوزی که نمایشگر جایگاه ارزشمند علم آموزی در اسلام است این فرآورده استدلالی و عقلی را در پی دارد که نمی‌توان تصور داشت تبلیغ‌گر این اندیشه خود فاقد ابراز علم آموزی باشد. به هر روی استدلال تئوری طرفداران برداشت ناخوانایی و نانویسایی از کاربست واژه «امی» در قرآن با این چالش‌ها رو به است:

۱. شاید کاررفت واژه امی در معنای کنایه‌ای ناخوانایی و نانویسایی در باهم آیی برون زبانی یا متداعی^{۱۴} سازگار باشد. در این انگاره واژه «امی» با مؤلفه‌های اعجاز قرآن و اثبات نبوت که شاخصه کلامی دارند در ذهن خوانشگر تداعی می‌کند و از همکنشی با هم معنای ناخوانایی و نانویسایی تقویت شد. اما ناتوانی در امر خواندن و نوشتن دلالتی بر اعجاز متن وحیانی ندارد زیرا برای اثبات وحیانی بودن قرآن و ارتباط پیامبر(ص) با منشا وحی و اعجاز قرآن، صفت ناخوانایی و نانویسایی استدالی کارا نیست و نیز نزول قرآن به واسطه وحی زبانی یا گفتاری بوده است نه نوشتاری.

۲. اصولاً صفت خوانایی و نویسایی و یا عدم آن تاثیر در همآورد خواهی قرآن ندارد. قرآن تمامی انس و جن را به تحدی فرا خوانده است و پیامبر (ص) به عنوان یکی از افراد امت و یا مکلفین خود نیز مشمول این تحدی است و از جهت دیگر، همآورد خواهی با دانش مورد انتظار، عظمت متن و حیانی را بیشتر آشکار می‌کند.

۳. گزارش‌های تاریخی مبنی بر توجه پیامبر (ص) بر کتابت وحی و کارهایی که نویسندگانی زیادی داشت بسان نامه‌هایی که به امیران اطراف و یارانش برای شرکت در جنگ‌ها می‌نوشت، گزارش‌هایی که آن‌ها می‌دادند همه نامه‌های که از اطراف می‌رسید پیمان نامه‌هایی که تنظیم کرده، دستورالعمل‌هایی که صادر فرمود می‌رسید. صدقات و زکاتی که تعیین نموده این‌ها همه سازمانی می‌خواسته که پایه‌گذاری شده (رامیار، ۱۳۸۴: ۲۶۶) این مسائل تاریخی کتابت امور توسط یاران پیامبر (ص) را اثبات می‌کند ولی دلالت بر این ندارد که پیامبر نمی‌توانست بنویسد یا بخواند.^{۱۵}

۴. رهیافت معناشناختی هم زمانی و مؤلفه باهم‌آیی همنشینی، تقابل، سیاق و سایر معهودات درآیاتی که واژه امی در آن آمده، نظرات رقیبی هم وجود دارد که کاربست معنایی آنها دارای تقویت بیشتری است.

۴-۴. نقد و بررسی ام القری

۱. از جهت ساختار قواعد ادبی اگر «ی» در امی، یای نسبت باشد باید «قروی» گفته می‌شد، چون علم صرف در نسبت مضاف و مضاف‌الیه خاصه آنجا که مضاف کلمه «رب، أم، ابن و بنت باشد» به مضاف‌الیه نسبت داده می‌شود و نه به مضاف همانند نسبت به ابوطالب، ابوحنیفه و بنی تمیم، طالبی، خلقی و تمیمی گفته می‌شود. (مطهری، ۱۳۷۶: ۴۲)

۲. در زبان قرآن، واژه «امی» در مورد غیر مکیان هم به کار رفته است. آیات «قل للذين اتوا الكتاب والاميين اأسلتم. بگو به اهل کتاب و امیین (اعراب غیر یهودی و

نصرانی آیا تسلیم خدا شدید.» (آل عمران: ۲۰) و آیه «مِنْهُمْ امِیُّونَ لَا یَعْلَمُونَ الْکِتَابَ الْاِمامانی» (بقره: ۷۸) امیون در خصوص اهل کتاب به کار رفته است. بدیهی است این یهودیان اهل مکه نبوند. (مطهری، ۱۳۷۶: ۴۲-۴۳) آیه «وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى حَتَّى یَبْعَثَ فِیْ اُمَمًا رَّسُولًا. پروردگارا تو چنین نیست که مردم قریه‌ها را اهلک کند مگر آن که قبلاً پیامبری در مرکز آن قریه‌ها بفرستد.» (قصص: ۵۹) ام در این آیه عنوان وصف عام است نه خاص.

۳. با رهیافت معناشناسی دلالت لفظی به نظر می‌رسد اطلاق امی به ام القری در تمامی استعمالات قرآن، به لحاظ گوهر معنایی لغویان متأثر از مفسران است.

نتیجه

۱. با رهیافت معنی‌شناسی زبانی و نظریه حوزه‌های معنایی، ارتباط واژگانی «امی» در یک شبکه معنایی برای ایجاد یک تصوّر کلی نسبت به واژه امی در روایت‌گری قرآن کریم و درک صحیحی از این مفهوم مورد تحلیل قرار گرفت.

۲. براساس این پژوهش غالب انگاره‌های مفسران بیش از آن که به معناشناسی هم‌زمانی با مؤلفه باهم آبی هم‌نشینی، تقابل و سیاق آیات توجهی داشته باشند، پیش‌فرض‌های باوری و مفسرانه خود را مقدم داشته و تلاش کردند کاربست واژگانی امی، امیون و امة در قرآن کریم را با پیش‌انگاره‌های خود سازگار کنند.

۳. استعمال واژه امی و امیون و امیین در قرآن کریم با توجه به سیاق، قرائن آیات و فضای گفتمان عصر نزول قرآن به نظر می‌رسد با معانی غیر اهل کتاب و امت عرب (معهود عصر نزول) سازگار باشد. زیرا ساختار زبانی بیانگر ساختار فرهنگ است. بنابراین قرآن کریم با کاربست واژگان «اهل کتاب و امیین» در صورتبندی «أَوْثُوا الْکِتَابَ وَالْاُمِّیِّینَ» یا «وَمِنْهُمْ اُمِّیُّونَ لَا یَعْلَمُونَ الْکِتَابَ» و همانند آن با توجه به معناشناسی باهم آبی هم‌نشینی، تقابل و بیان شاخصه هرکدام نظام گفتمانی آن را مشخص کرد و از سوی دیگر خویشکاری (نقش آفرینی) و تقابل اندیشه‌ای و رفتاری آنان را بازتاب داده است.

پی‌نوشت

- ۱- معناشناختی (Semantics) بخشی از زبان‌شناسی (توصیفی و ساخت‌گرا) است. (مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۵: ۴۸-۶۷؛ صفوی، ۱۳۹۰: ۲۸) که به بررسی و مطالعه معانی در زبان‌ها از جهت چندمعنایی، مترادف، تضاد، هم‌آوایی و ارتباط میان واژگان و معنا و به طور کلی انتقال معنا از طریق زبان را بیان می‌دارد که در اواسط قرن نوزدهم ایجاد شد. (لاینز، ۱۳۸۳: ۳)
- ۲- تعمیم یا گسترش معنایی، مفهوم یک واژه توسعه یافته و مدلول‌های آن افزایش می‌یابند. مانند واژه کفر در پسا اسلام دچار توسعه معنایی شده است. (سعیدی روشن، ۱۳۸۸: ۷۷-۹۴) و تخصیص معنایی تغییر با کاهش مدلول و تخصص است. مانند واژه صلاه. (همو، همانجا)
- ۳- مطالعه هم زمانی نوعی از مطالعه معنا می‌باشد که در مقطع زمان خاص بدون لحاظ گذشته آن صورت می‌گیرد. در این حوزه وقوع واژگان با ویژگی‌های بنیادین مشترک بر روی محور هم نشینی، نوعی با هم آیی منجر می‌گردد. با هم آیی یک اسم با یک فعل یا با هم آیی اسم با یک صفت می‌توان به حوزه معنایی پرداخت. مانند صفات کهنه، قدیمی و کهنسال برای کتاب، که از صفت کهنسال استفاده نمی‌کنیم. کاربرد چنین صفاتی حاکی از نوعی با هم آیی است. (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۹۶-۱۹۷)
- ۴- روابط همنشینی به پیوندهای حاضر میان واژگان و روابط خطی میان آن‌ها می‌پردازد. (دوسوسور، ۱۳۸۰: ۱۷۶-۱۷۷) تقابل، تضاد یا دوگانگی، موردی است که در آن از ساخت معنایی یک واژه از روی واژه متقابل آن معلوم می‌گردد. (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۱۹)
- ۵- نشانه‌شناسی در سه بخش؛ نحوشناسی (Syntatics) که به پیوند نشانه‌ها با یکدیگر، معناشناسی (Semantics) که به ارتباط نشانه‌ها با امور و تعابیر متناظرشان و کاربردشناسی (Pragmatics) که به همبسته شدن نشانه‌ها با خوانشگران می‌پردازد، تقسیم می‌شود. در کاربرد شناسی به بررسی معنا در درون سیاق اشاره دارد. (قائم‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۴۲)
- ۶- برخی برای تایید سخن به قول قتاده و مجاهد و در روایتی از پیامبر (ص) استناد جسته‌اند که فرمود: انا امه امیه لانکتب لا نحسب. (طبری، ۱۴۱۵ق: ۴۱۷/۱؛ ابن اثیر، بی‌تا: ۴۵/۱)
- ۷- علامه طباطبایی منظور از امیین را مشرکین دانسته و بر اساس زاویه دید اهل کتاب، امیین بی‌سواداند و آنان را به این نام می‌خواندند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۲۲/۳)

مفهوم‌شناسی امی در قرآن با روی آورد زبان شناختی ۲۱۳

۸- رابطه جانشینی، تداعی عناصر غیبی را در یک زنجیره بالقوه ذهنی به هم پیوند می‌زند.

(دوسوسور، ۱۳۸۰: ۱۷۷)

۹- با روش بینامتنی مبتنی بر روایات، روایات مخالف با خوانش بی‌سواد در کتاب بصائر الدرجات باب «فی ان رسول الله (ص) کان یقرأ و یکتب بکل لسان» وجود دارد. (صفار، ۱۴۰۴ق: ۲۲۶)

۱۰- به لحاظ معناشناسی تلاوت برای کتاب مقدس به کار می‌رود و قرائت اعم از کتاب مقدس و هر چیزی دیگری است. مطابق قرینه مقامیه تلاوت کتاب در آیه ۴۸ عنکبوت، همان کتاب مقدس است از جهت دیگر «تتلوا» یعنی آواز بلند خواندن و از حفظ خواندن می‌باشد بنابراین غرض از این آیه، این است که پیامبر (ص) کتب یهودیان و مسیحیان را از حفظ نداشته و یا رونویسی نکرده است. (الراغب الاصفهانی، بی‌تا: ۷۱)

۱۱- بنابر قاعده بینامتنیت خوانشگر در فرآیند فهم از عناصر نشانه شناختی متون دیگر هم بهره می‌برد. در این راستا طرفداران کاریست معنای ام القری از روایت هم استفاده کردند. این مفسران برای اثبات نظریه خود از روایت سعد بن ابی عیسی از محمد برقی از جعفر ابن محمد صوفی بهره جستند. سالت اباجعفر محمد ابن علی الرضا (ع) فقلت: یا ابن رسول الله لم سمی النبی صل الله علیه و آلامی؟ فقال ما تقول الناس؟ قلت یزعمون انه انما سمی الامی لانه لم یحسن ان یتکتب فقال علیه السلام: کذبوا علیهم لعنة الله.... والله لقد کان رسول الله صل الله علیه و آله یقرأ یتکتب و بائنین و سبعین، اوقال بثلاثه و سبعین لساناً وانما سمی الامی لأنه کان من اهل مکه و مکه من امهات القرى، و ذلک قول الله عز وجل، لتندرام القرى ومن حولها (صدوق، ۱۳۸۴ق: ۱۶۷/۱ مفید، ۲۶۳/، مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۳۳/۱۶، ۱۳۲)

۱۲- سوره بقره: ۲، ۱۰۵، ۱۰۹؛ آل عمران: ۳، ۶۴، ۶۵، ۶۹-۷۲، ۷۵، ۹۸-۹۹، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۹؛ نساء: ۴، ۱۲۳، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۷۱؛ مائده: ۵، ۱۵، ۱۹، ۵۹، ۶۵، ۶۸، ۷۷؛ عنکبوت: ۲۹، ۴۶؛ احزاب: ۲۶، ۳۳؛ حدید: ۲۹، ۵۷؛ حشر: ۲، ۱۱، ۵۹؛ بینه: ۱، ۶، ۹۸.

۱۳- سوره الانفال: ۳۰؛ سوره النحل: ۲۲؛ ۲۶؛ سوره الانعام: ۲۵.

۱۴- به کار بردن واژه‌ای بسان (میخ) واژه دیگر (چکش) را به دلیل وجود ویژگی مشترک

تداعی می‌کند و از کنار هم قرار گرفتن آن حوزه معنایی را ایجاد می‌کنند. (افراشی، ۱۳۷۸: ۷۳-۸۲)

۱۵- شیخ مفید (م۴۱۳ق) و سیدمرتضی (م۴۳۶ق) ناتوانی در خوانایی و نویسایی براساس آیه ۴۸ سوره عنکبوت را در پیشا بعثت دانسته‌اند. می‌نویسد: این آیه دلالت دارد بر این که پیامبر قبل از نبوت کتابت را نمی‌دانست. (سید مرتضی، ۴۰۵ق: ۱۰۷-۱۰۸)



کتابنامه

۱. آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی، بیروت: دراحیاء التراث العربی.
۲. ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی، (۱۴۰۷ق)، زاد المسیر: بیروت، دارالفکر.
۳. ابن سعد، محمد، (۱۴۱۰ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دارصادر.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر، (۱۹۹۷)، التحریر و التنویر، تونس: الدارالتونسیه.
۵. ابن کثیر مشقی، اسماعیل بن عمر، (۱۴۰۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالمعرفه.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، قم: ادب الحوزه.
۷. ابن انباری، محمد بن قاسم، (۱۴۰۷ق)، کتاب الاضداد، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، المکتبه المعریه، صیدا: بیروت.
۸. ابن فارس، احمد، (۱۴۲۲ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق ابراهیم شمس الدین، دارالکتب العلمیه: بیروت.
۹. اسدی، احد و دیگران، (۱۳۸۹)، «تحلیل نشانه شناختی "النبی الامی" براساس مدل امبرتواکو»، نشریه ذهن، شماره ۱۷۹، صص ۱۵۳-۱۸۰.
۱۰. ایزوتسو، توشیهیکو، (۱۳۷۲)، خداوند انسان در قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی .
۱۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، (بی‌تا)، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلی.
۱۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، (۱۴۱۰ق)، محمد بن علی، متشابه القرآن و مختلفه، قم: بیدار.
۱۳. البدوی، عبدالرحمن، (بی‌تا)، دفاع عن القرآن ضد منتقدیه، مترجم کمال جاد الله، بی‌جا: الدار العالمیه للکتب و النشر.
۱۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۹۹۰)، الصاح تاج اللغة و صحاح العربیه، تحقیق احمد عبدالغفور العطار، بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۰)، تفسیر تسنیم، قم: نشر اسراء.
۱۶. جفری، آرتور، (۱۳۸۶)، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، مترجم فریدون بدره‌ای، تهران: توس.

۱۷. حجتی، محمد باقر، (۱۳۸۶)، تاریخ قرآن کریم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۸. حسینی طباطبایی، مصطفی، (۱۳۷۲)، نقد آثار خاورشناسان، تهران: به پخش.
۱۹. خویی، ابوالقاسم، (۱۳۶۰)، البیان، مترجم محمد صادق نجفی و هاشم هاشم‌زاده هریسی، قم: مجمع ذخائر.
۲۰. دروزه، محمد عزه، (۱۳۸۲ق)، التفسیر الحديث ترتيب السور حسب النزول، بغداد: مطبعة الترقی.
۲۱. دوسوسور، فردینان، (۱۳۸۰)، مبانی ساختگرایی در زبان‌شناسی، مترجم کوروش صفوی، تهران: حوزه‌های هنری.
۲۲. رامیار، محمود، (۱۳۸۴)، تاریخ قرآن، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
۲۳. الراغب الاصفهانی، (بی‌تا)، معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقیق ندیم مرعشلی: دارالکتاب العربی.
۲۴. الزبیدی، محمد مرتضی، (بی‌تا)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: المطبعة الحیاه.
۲۵. زمخشری، محمود، (۴۰۷ق)، الکشاف عن الحقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتاب العربی.
۲۶. سبحانی، جعفر، (۱۳۵۶)، مکتب وحی امی بودن پیامبر، قم: انتشارات رسالت.
۲۷. سید مرتضی، علی بن حسین موسو، (۱۴۰۵ق)، رسائل الشریف المرتضی، فقیه سید مهدی رجایی، قم: دارالفکر.
۲۸. صالحی شامی، (۱۳۹۲)، سبل الهدی، قاهره: الجنه احیا التراث.
۲۹. صفار، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد(ص)، قم: مکتبه النجفی.
۳۰. صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین، (۱۳۸۴)، علل الشرایع: الناشر السید فضل الله الطباطبایی الیزدی.
۳۱. صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین، (۱۳۶۳)، التوحید، قم: جامعه مدرسین.
۳۲. صفوی، کورش، (۱۳۷۹)، درآمدی بر معناشناسی، تهران: سوره مهر.
۳۳. صفوی، کورش، (۱۳۸۳)، «نگاهی به نظریه حوزه‌های معنایی از منظر نظام واژگانی زبان فارسی»، علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۴۰، صفحات ۱۱-۱.
۳۴. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، (۱۴۰۹ق)، التبیان فی التفسیر القرآن، بیروت: دار احیا التراث العربی.
۳۵. طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین و مطلع النیرین، تحقیق سید احمد حسینی، تهران: المکتبه المرتضی لاحیاء الآثار الجعفریه.
۳۶. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۵ق)، جامع البیان، بیروت: دارالفکر.
۳۷. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۵ق)، مجمع البیان، بیروت: موسسه الاعلمی.
۳۸. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.

۳۹. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: داراحیا التراث العربی.
۴۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۴ق)، العین، قم: انتشارات اسوه.
۴۱. فیروزآبادی، محمدبن عمر، (۱۴۱۹ق)، القاموس المحیط، بیروت: موسسه الرساله.
۴۲. قاسمی، جمال‌الدین، (بی‌تا)، محاسن التاویل، بیروت: موسسه تاریخ عربی.
۴۳. فقهی‌زاده، عبدالهادی؛ کاکاوند، علیرضا، (۱۳۹۱)، «امی درس ناخوانده یا اهل کتاب»، فصلنامه پژوهش دینی، شماره ۲۴، صص ۶۱-۸۹.
۴۴. قائمی‌نیا، علی‌رضا، (۱۳۸۶)، «دانش نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن»، قرآن و علم، شماره ۱، صص ۱۳۷-۱۶۰.
۴۵. قرطبی، محمدبن یعقوب، (۱۳۸۷)، الجامع لاحکام القرآن، قاهره: دارالکتب العربی.
۴۶. قطب، سید، (۱۳۶۸ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴۷. لاینز، جان، (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر معناشناسی زبان شناختی، ترجمه حسین واله، تهران: انتشارات گام نو.
۴۸. ما تریدی، محمد بن محمد بن محمود، (۱۴۲۵ق)، تفسیر القرآن العظیم المسمی تاویلات اهل السنه، بیروت: موسسه الرساله ناشرین.
۴۹. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: داراحیا التراث العربی.
۵۰. مشکوه‌الدینی، مهدی، (۱۳۸۵)، سیر زبان‌شناسی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
۵۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۶)، پیامبر امی، تهران: انتشارات صدرا.
۵۲. مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ق)، تفسیر الکاشف، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۴ق)، اوائل المقالات، تحقیق ابراهیم الانصاری الزنجانی الخوئینی، بیروت: دارا المفید.
۵۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۷)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۵. مراغی، احمد بن مصطفی، (بی‌تا)، تفسیر المراغی، بیروت: داراحیا التراث العربی.
۵۶. مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵۷. نصیریان، یدالله، (۱۳۷۸)، علوم بلاغت و اعجاز قرآن، تهران: انتشارات سمت.
۵۸. همامی، عباس؛ شایسته فرد، رحمت، (۱۳۹۱)، «نگاهی دوباره به مساله امی بودن پیامبر»، پژوهشنامه قرآن، شماره ۱۰، صص ۶۰-۷۸.